

ضرورت سیاست گذاری آموزش قانون اساسی در آموزش و پرورش

نام نویسندگان: رضا زارعی، میترا رستگار، مرضیه احمدی، معصومه جعفری
، زهرا منصور کیایی

چکیده

بسیاری از دانش آموزان ما از حقوق اولیه و اساسی خود هیچگونه آگاهی ندارند. نمیدانند در جامعه ای که در آن زندگی می کنند چه حقوقی دارند بسیاری از آنها نمی دانند که در ساختار کشورشان چه نقشی دارند. و اصلا در ساختار حکومت کشور و جامعه خود دخیل هستند یا نه.

در این راستا با توجه به اثرات انکارناپذیر اعتقاد به مشروعیت نظام سیاسی بر ثبات، کارآمدی و اعتماد مردم به نظام سیاسی موجود، و همکاری و تعامل با آن، و امکانات و تاثیر گذاری بی بدیل، عام و پایدار نظام آموزش و پرورش، ضرورت توجه به تبیین مبانی مکتبی نظام و آموزش قانون اساسی در مقاطع مختلف تحصیلی مشخص می گردد. در این پژوهش با هدف تبیین ضرورت های آموزش و یادگیری قانون اساسی و نیز تلاش برای تبیین اهمیت آشنا سازی نسل آینده جامعه با مبانی مکتبی و اعتقادی نظام جمهوری اسلامی ایران در مقاطع مختلف تحصیلی به انجام پژوهش به روش کتابخانه ای اقدام شد. در نهایت به این نتیجه رسیدیم که نکته قابل توجه در آموزش قانون اساسی و مبانی جمهوری اسلامی ایران تعیین هدفها است که بیانگر تواناییهایی می باشند که انتظار می رود در پایان یک دوره یا مقطع آموزشی، دانش آموزان و دانشجویان به آنها دست یابند. به تناسب هدف ها، محتوا و ابزار و وسایل آموزشی و راهبردهای یاددهی- یادگیری نیز تعیین می گردند.

واژگان کلیدی: قانون اساسی، کتب درسی، آموزش و پرورش، مبانی جمهوری اسلامی ایران.

مقدمه

امروزه در میان تمامی جوامع، بهره‌گیری از آموزش و پرورش عمومی و آموزش عالی از اهمیت خاصی برخوردار است. علت اصلی این اهمیت را باید در نقشی که آموزش به عنوان ابزاری برای ایجاد یا حفظ وحدت ملی و ارتقای سطح زندگی مردم ایفا می‌کند، جستجو کرد. در دهه‌های اخیر جهان شاهد گسترش سریع آموزش عمومی و عالی در کشورهای مختلف بوده است.

یکی از پدیده‌های مشخص قرن حاضر گرایش عمومی به آموزش و پرورش رسمی و بهره‌گیری از آموزش عالی برای ارتقای سطح معلومات است. این توجه در مرحله‌ی اول از دگرگونی نظام طبقاتی جامعه ناشی شده است. در دنیای امروز خانواده به این واقعیت پی برده است که همه امکانات رشد، خاص یک طبقه‌ی معین نیست و از طریق مدرسه می‌توان آنچه را که در گذشته به طبقات ممتاز جامعه تعلق داشت برای فرزند خویش نیز تأمین کند. در جامعه‌ی امروز مهارت و تخصص از وسایل مؤثر تأمین زندگی بهتر و رفاه بیشتر است و برداشت عمومی، مهارت و تخصص را در تحصیلات رسمی جستجو می‌کند.

امروزه نگرش به آموزش از نگاه حق مدارانه ریشه می‌گیرد و در بحث «حقوق ملت» سخن از انسان است، انسانی که حق دارد از اساسی‌ترین لازمه‌ی زندگی خویش یعنی حق آموزش و پرورش بهره‌مند گردد.

از طرفی برنامه‌ها و کتاب‌های درسی به عنوان مهمترین و اساسی‌ترین پایه نظام آموزش رسمی به حساب می‌آیند. از این رو تلاش در جهت رفع نارسائیهای موجود در کتاب‌های درسی امری ضروری است. با توجه به اهمیت آموزش و پرورش و ارتباط آن با کتاب درسی، می‌توان گفت که در نظام‌های آموزشی متمرکز، کتاب درسی که آموزش هر موضوع درسی در هر پایه را به عهده دارد، از ابزارهای محوری و پر اهمیت سیستم آموزشی محسوب می‌شود.

آموزش قانون اساسی و مبانی جمهوری اسلامی ایران در کتب درسی جزء مواردی می‌باشد که همواره در مورد آن بحث‌های متفاوتی وجود دارد. در این راستا نظریات متفاوتی در مورد آموزش این مبانی و ارکان وجود دارد که همواره دارای تناقضات فراوان می‌باشد.

فراگیری اصول حقوق اساسی اختصاص به افراد خاص نمی‌باشد. لزوم یادگیری حقوق اساسی در ردیف لزوم سواد آموزی است حتی آنان که به هر دلیلی از نعمت سواد محروم مانده اند باید به هر طریقی با حقوق اساسی آشنا شوند تا ادامه حیات آنها در جامعه معنی و مفهوم داشته باشد تا بدانند چه حقوق و تکالیفی دارند و این رابطه سیاسی حقوقی که با جامعه دارند و در سایه‌ی آن از بسیاری از آزادی‌ها و امتیازات برخوردارند طی چه مراحل به وضع امروز رسیده است.

روشن ساختن ساختار نظام حکومت و ارگان‌های کلیدی آن تعیین‌کننده شناخت رابطه حکومت و مردم است تا به موجب آن هر دو طرف و به ویژه گـرداننده گان حکومت اعمال خود که در چارچوب قوانین مطروحه عیار نموده تا با اتکا و استناد به آن جامعه جهت تحقق اهداف واقعی آن به پیش رو برده شود. وظیفه دیگر قانون اساسی مرجعیت آن است، لهذا برای امر قانونگذاری یعنی سایر قوانین مدنی تابع قانون اساسی که بنیاد اصلی آنرا تشکیل می‌دهد می‌باشد. هدف قانون اساسی تعیین و استقرار ضوابط حقوقی در اداره و جامعه است تا شرایط مناسبی برای زندگی افراد جامعه را در کنار هم فراهم آورده، روابط و مناسبات اجتماعی را تنظیم و تحقق بخشند.

مشروعیت نظام سیاسی، کارآمدی و اعتماد مردم به نظام سیاسی موجود، هویت ملی، ولایت فقیه و بسیاری از موارد دیگر این مسئله را به وجود می‌آورد که در چه مقطع تحصیلی و با چه شیوه‌ی آموزشی و به چه میزان این مفاهیم قابل آموزش به دانش‌آموزان می‌باشد و آموزش این مطالب چه ضرورتی دارد.

در این راستا نکته قابل توجه در آموزش قانون اساسی و مبانی جمهوری اسلامی ایران تعیین هدف‌ها است که بیانگر توانایی‌هایی می‌باشند که انتظار می‌رود در پایان یک دوره یا مقطع آموزشی، دانش‌آموزان و دانشجویان به آنها دست یابند. به تناسبات هدف‌ها، محتوا و ابزار و وسایل آموزشی و راهبردهای یاددهی-یادگیری نیز تعیین می‌گردند. بنابراین عدم توجه به هدف‌های آموزشی و درسی در تدوین

کتاب، تلف شدن استعداد های بالقوه ای که در دانش آموزان و دانشجویان نهفته است و پرور شکاران در صدد کشف و بارور ساختن آنها و هدایت هر کدام در جایگاهی مناسب از نظام فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه می باشند.

با توجه به مطالب گفته شده این موضوع که قانون اساسی و مبانی جمهوری اسلامی ایران که از ارکان اصلی نظام آموزشی محسوب می شوند در سیستم آموزشی کشور دارای چه جایگاهی می باشند از اهمیت فراوانی برخوردار می باشد. این مسئله که سیستم آموزشی کشور به دانش آموزان و دانش جویان چه آموزشی در جهت آشنایی محصلین به این دو رکن اصلی حقوق می دهد از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد. در این راستا یکی از ضروری ترین بخشهای آموزشی برای افراد همه جامعه آموزش قانون اساسی و مبانی شکل گیری نظام آن کشور است.

سؤالات و فرضیات تحقیق:

سؤال اصلی:

ضرورت های آموزش قانون اساسی و تبیین مبانی جمهوری اسلامی در مقاطع تحصیلی در چیست؟

سؤال فرعی:

وضعیت فعلی محتوای آموزشی مقاطع تحصیلی در زمینه آموزش قانون اساسی و مبانی جمهوری اسلامی چگونه است؟

فرضیه اصلی:

با توجه به اثرات انکارناپذیر اعتقاد به مشروعیت نظام سیاسی بر ثبات، کارآمدی و اعتماد مردم به نظام سیاسی موجود، و همکاری و تعامل با آن، و امکانات و تاثیر گذاری بی بدیل، عام و پایدار نظام آموزش و پرورش، ضرورت توجه به تبیین مبانی مکتبی نظام و آموزش قانون اساسی در مقاطع مختلف تحصیلی مشخص می گردد

فرضیه فرعی:

به نظر می رسد، بر اساس یافته های به دست آمده میزان توجه به مولفه های قانون اساسی در کتاب درسی تعلیمات دینی (دین و زندگی) از سایر کتاب ها بیشتر بوده است و در سایر کتب توجه خاصی به آموزش قانون اساسی نشده است. در زمینه تبیین مبانی مکتبی نظام سیاسی، علی رغم توجه به مفاهیم و تعلیم دینی، در زمینه تبیین ارتباط اعتقادات مذهبی با نظام سیاسی، کمبود ویژه احساس می گردد.

روش تحقیق:

روش تحقیق حاضر از روش توصیفی از نوع روش کتابخانه ای است. اطلاعات و داده های مورد نیاز برای تحقیق حاضر از طریق مطالعه کتابخانه ای و با بهره گیری از تکنیک فیش برداری است. که طی آن منابع قانونی، دکتترین حقوقی و اطلاعات فقهی و حقوقی مورد نیاز از طریق مطالعه و استخراج اطلاعات مورد نیاز در کتب، مقالات، پایگاه های اینترنتی و سایر منابع گردآوری خواهد شد. روش تحقیق کتابخانه ای بدین صورت است که با جمع آوری کتب و مقالات و مجلات و پایگاه های اطلاعاتی کشور مطالبی که در رابطه با موضوع تحقیق وجود داشته، استخراج نموده و با حفظ امانتداری عینا نوشته شده و در پایان نتایج حاصله جمع بندی و اطلاعات ارائه گردد. روش تجزیه و تحلیل این پژوهش بدین صورت است که با بررسی نتایج حاصله از تحقیقات دیگر محققان نتایجی ارائه می گردد. در بخش میدانی موضوع، نسبت به بررسی محتوای آموزشی در مقاطع مختلف تحصیلی و ثبت و جمع بندی موضوعات مرتبط با موضوع تحقیق و تعیین وضعیت موجود اقدام و در نهایت با توجه به مبانی نظری بحث شده، تحلیل و نتیجه گیری و ارائه راهکارها و پیشنهادات انجام می گردد.

پیشینه تحقیق:

با بررسی دانشجو تحقیقی با این عنوان در هیچ مقاله و پایان نامه ای به طور مشخص به انجام نرسیده است در این رابطه در این قسمت سعی بر این است به پژوهش هایی که با موضوع ما همخوانی دارد اشاره ای داشته باشیم:

زارع (۱۳۸۹) در پژوهشی تحت عنوان جایگاه حاکمیتی و اصل عدالت در نظام آموزشی کشور اینگونه بیان می کند که نظام آموزشی با توجه به دولتی بودن و قوانین قدیمی آن به سمت اصل عدالت حرکت نکرده و از لحاظ حقوقی این سازمان به علت تبعیت نکردن از اصول اسلامی دارای مشکلات فراوان می باشد.

او در ادامه اینگونه بیان می کند جهت انعطاف پذیری در ساختارهای اجرایی آموزشی و برنامه ریزی درسی، توجه به شرایط واقعی مدرسه و جامعه محلی و بهبود کیفیت ها و ارتقاء دانش آموزش و پرورش آنها، قدرتمندتر شدن موقعیت های محلی در ارتباط با برنامه درسی و حرکت به سمت رویکردی سازنده گرایانه تر و فضا دادن به آراء و اندیشه های سازنده و مبتکرانه در حوزه برنامه درسی، توجهی اساسی دیده نمی شود. تاکید بر سیاست برنامه محوری و تولید بسته های آموزشی، مجددا تاکید بر تمرکز گرایی بوده است.

محسن زاده (۱۳۸۹) با موضوع "حق بر آموزش قوانین و مقررات موضوعه (پیش دبستانی تا پایان متوسطه)" به بررسی حق بر آموزش از دیدگاه قانون اساسی اشاره کرده و میگوید: حق بر آموزش، حقی بنیادی است که به تمام انسان ها تعلق دارد، و به مثابه ابزاری جهت اعمال سایر حقوق انسانی نیز به شمار می آید. این حق علاوه بر ایجاد اعتماد به نفس و خودباوری در فرد، کلید دستیابی به صلح و توسعه و ترویج حقوق بشر است. در بررسی مجموعه اسناد بین المللی حقوق بشر، این نکته، به دست آمده است که دست یابی به آموزش، حقی اساسی، بنیادین و تعلیق ناپذیر هر فرد انسانی، بدون توجه به ویژگی های جنسیتی، زبانی، قومی، مذهبی و موقعیت اجتماعی است. پورفرهاد (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان ساختار حقوقی نظام آموزش و پرورش به این مطلب توجه دارد که بسیاری از ارکان تعریف شده در این نظام از لحاظ حقوقی با ساختار حاکمیتی در جامعه در تناسب نیستند و در این راستا نظام آموزشی به تغییر و تحولات گسترده نیازمند است.

صافی (۱۳۹۱) در کتابی تحت عنوان سازمان و قوانین آموزش و پرورش ایران به تمامی قوانین مربوط نظام آموزشی و به مسائلی همچون کلیاتی درباره قوانین و مقررات آموزشی، سازمان اداری آموزش و پرورش ایران و اهم قوانین آموزشی قانون اهداف و وظایف و تشکیلات کنونی وزارت آموزش و پرورش، شوراها و مراجع سیاست گذار در نظام آموزش و پرورش ایران و... و قانون اساسی معارف و تحولات ساختار نظام آموزشی می پردازد.

نقش آموزش و پرورش در انتقال ارزش های اجتماعی- فرهنگی

نهادهای آموزشی ساختارمندند و تشکیلات اداری بسیار منظمی دارند. جامعه برای یادگیری، دانش اندوزی، انتقال ارزش های اجتماعی- فرهنگی، ارتقای تحصیلی، تربیت صحیح، رسیدن فرد به کمالات انسانی، رعایت انضباط اجتماعی و ارزش گذاری فرهنگی، اهمیت بسیاری قایل است. از طریق فرآیند اجتماعی شدن به طور کلی، هر نهاد اجتماعی، شیوه های رفتار شایسته و ناشایسته را به افراد نشان می دهد.

ارزش ها، نگرش ها و علایق از جنبه های بسیار مهم شخصیت انسان به شمار می روند. ماهیت و اثر ارزش ها بر پیشرفت تحصیلی، موفقیت شغلی، روابط بین فردی، رضامندی از فعالیت ها و سایر جنبه های زندگی روزانه بارز است. فرآیند ارزش گذاری بخشی از طبیعت انسان است و نظام ارزشی یک شخص تعیین می کند که یک تجربه تا چه اندازه معنا دارد، چه مقدار هیجان برمی انگیزد و در آینده چه ارزشی خواهد داشت. وظیفه اساسی هر فرهنگ در زمینه پرورش اجتماعی، تعلیم معیارهای اخلاقی و ارزشی و شکل دهی و تقویت کاربرد رفتارهای شایسته در کودک در حال رشد است. هرچند که در فرهنگ های گوناگون ارزش ها و رفتارهای خاص مطلوب متغیرند، همه جوامع در مورد راست و غلط بودن برخی رفتارها، دارای نظامی از قواعد هستند. از کودک و نوجوان انتظار می رود که این قواعد را بیاموزد و هنگام تخطی از آنها احساس گناه یا ناراحتی عاطفی کند و هنگام پیروی از آنها احساس رضایت و خرسندی به او دست دهد. قرن حاضر را دوران تحول و تزلزل ارزش ها

نامیده‌اند. در جوامع کنونی، مفاهیم ارزشی اعتبار خود را از دست داده‌اند مفاهیمی از قبیل آزادی، عدالت اجتماعی و برابری انسان‌ها مورد تعبیر و تفسیرهای متفاوتی قرار گرفته و در بعضی موارد به ضد خود تبدیل شده است.^۱

در این راستا باید توجه داشت که مدارس و نهادهای آموزشی در انتقال ارزش‌ها، سنت‌ها و هنجارهای اجتماعی نقش مهمی دارند. نظام‌های آموزش و پرورش، مدارس و کلاس‌های درس در هر فرهنگ منعکس کننده ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی-اجتماعی به کودکان است. تمام قواعد اجتماعی و ارزش‌های مطلوب را نمی‌توان از طریق نهادهای آموزشی به کودکان انتقال داد

از طرفی بدون شک، آموزش و پرورش، یک نهاد اجتماعی گسترده و پیچیده است. که در کنار سایر نهادها، مانند خانواده، دولت و اقتصاد نقش مهم در شکل‌گیری و ایجاد رفتارهای افراد بازی می‌کند. صاحب‌نظران مکتب‌های جامعه‌شناختی (کارکردگرایی، تعارض و تعامل‌گرایی) در مورد نقش آموزش و پرورش نظراتی ارائه داده‌اند. به زعم کارکردگرایان، آموزش و پرورش و نهادهای آموزشی، مانند دیگر نهادهای اجتماعی، دارای کارکردهای آشکار و پنهان هستند. اساسی‌ترین کارکرد آشکار تعلیم و تربیت، انتقال دانش است. مدارس به دانش‌آموزان نحوه خواندن، صحبت کردن به زبان خارجی، آماده کردن و تعمیر یک دستگاه و از این قبیل را می‌آموزند. علاوه بر این کارکردهای آشکار، مدارس کارکردهای پنهانی نیز دارند که عبارت‌اند از: انتقال فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی، تقویت انسجام اجتماعی-سیاسی، حفظ کنترل اجتماعی و عامل تغییر بودن.^۲

در حال حاضر، حفظ میراث فرهنگی و احیای آنها از اموری است که دولت اسلامی، وظیفه صیانت از آنها را بر عهده دارد. گستره و میزان میراث‌های باقیمانده از گذشتگان و همچنین میراث‌های طبیعی به اندازه‌ای است که دولت اسلامی را به سمت تدوین قوانین و مقرراتی در جهت حفاظت از آنها سوق داده است. آذر این راستا یکی از وظایف مهم آموزش و پرورش، انتقال میراث فرهنگی به دانش‌آموزان است. مدرسه نه تنها در این مورد نقش انتقال دهنده را به عهده دارد، بلکه تفسیر و ترجمه فرهنگ جامعه نیز به عهده آن می‌باشد. مربیان باید به شاگردان در فهم فرهنگ جامعه کمک و ایشان را راهنمایی کنند تا رفتار، احساس، عقاید، افکار و ایده آل‌هایی را که مورد قبول جامعه هستند، در خود رشد دهند. ایجاد حس قدردانی در شاگردان نسبت به میراث فرهنگی، نیز از مهمترین وظایف مدرسه است.

در این راستا نظام‌های آموزشی به عنوان رکن اصلی انتقال میراث فرهنگی دارای ارزش و اهمیت فراوانی می‌باشند. بسیاری از اندیشمندان بر این عقیده هستند که فرهنگ باید از طریق فرایندهای آموزشی و پرورشی، پویایی خود را حفظ کرده و نقش ارشادی پیدا کند، برای این منظور، نظام آموزش و پرورش در جامعه و برای جامعه، هدفی مشترک محسوب می‌شود که باید به شیوه عقلانی آن را دنبال کرد. نظام آموزش و پرورش می‌تواند از طریق برنامه‌های درسی فرصت و امکان مناسب را برای درونی‌سازی ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی فراهم سازد. برای تحقق این امر آموزش و پرورش لازم است، درک درستی از نیازهای فرهنگی جامعه داشته باشد. نیازهای فرهنگی، زیربنای طراحی برنامه‌های درسی مدارس را تشکیل داده و بدون فهم درست آنها، تلاش برای طراحی برنامه‌های یاددهی-یادگیری بی‌فایده است. هدف‌های برنامه درسی به شرط انطباق و هم‌سو بودن با نیازهای فرهنگی جامعه، معنادار و قابل دفاع خواهند بود. برای تعیین نیازهای مذکور باید دو کار مهم تر انجام داد. در ابتدا باید مطالعه و تحلیلی از عناصر فرهنگی جامعه داشت که در مصوبات کلان کشور نظیر قانون اساسی، مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، سند چشم‌انداز بیست ساله و غیره می‌توان به این زمینه‌ها دست یافت. ارزش‌های برگرفته از تحلیل اسناد کلان با اینکه مجموعه‌ای از حقایق فرهنگی را نشان می‌دهند، گویای همه واقعیت‌ها نیستند. در کنار تحلیل اسناد مذکور باید اذعان داشت: مجموعه ارزش‌هایی که در طول زمان به وسیله عواملی چون؛ خانواده، وسایل ارتباط جمعی، گروه‌های دوستان و غیره در وجود افراد شکل می‌گیرند، نقاط تلاقی گوناگون را در فرآیند یادگیری فرهنگ به وجود می‌آورند. براین اساس در فرآیند مهندسی فرهنگی باید پیوندی ظریف و دقیق بین حقایق فرهنگی جامعه با واقعیت‌های فرهنگی روز، ایجاد کرد. غفلت از واقعیت‌ها؛ رکود و ایستایی را به دنبال خواهد داشت. بنابراین، نیازهای روز فرهنگی جامعه را باید در نقطه تلاقی حقیقت و واقعیت جست و جو نمود. برنامه ریزان درسی وظیفه دارند از طریق مطالعات گوناگون، بانک اطلاعاتی پویایی

^۱ گیلک، عبد‌الامیر، سلسله مراتب ارزش‌های نوجوانان دختر و پسر، معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۷، ص ۵۲

^۲ روشه، کی‌کنش اجتماعی، ترجمه: هما زنجانی‌زاده، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۰، ص ۹۲

^۳ بهشتی سید محمد. میراث فرهنگی و چالش‌های فقهی و حقوقی آن، پژوهشکده فقه و حقوق، ۱۳۸۹، ص ۱۵

^۴ قلی‌زاده، آذر، «مبانی جامعه‌شناسی آموزش و پرورش»، انتشارات محترم کاشان، ۱۳۷۷، ص ۲۷۳

درخصوص نیازهای فرهنگی، پایه گذاری کرده و آن را با اطلاعات نوین، زنده و پویا نگه دارند. بجا این که تعیین نیازهای فرهنگی در شکل گیری برنامه درسی با اهمیت بوده و زیربنای طراحی برنامه های درسی را تشکیل میدهند؛ ولی از طریق توجه به اهداف و محتوای برنامه های درسی است که ویژگیها و ارزش های فرهنگی همچون فعال بودن، مسئولیت پذیری، مؤمن بودن، وجدان کاری، انضباط، سازگاری اجتماعی محقق میشوند.

نظام آموزش و پرورش از جمله نظام های اجتماعی است که بیش از همه با مفهوم توسعه فرهنگ و مهندسی فرهنگ جامعه همراه است. چگونگی آموزش و پرورش یک جامعه بهترین و نزدیکترین مظهر فرهنگ آن جامعه است. هم چنان که فرهنگ یک جامعه بدون تردید چگونگی آموزش و پرورش آن جامعه را نشان می دهد. بنابراین حفظ گسترش و غنی سازی فرهنگ را از جمله وظایف و نقش های بنیادی مدارس با آموزش و پرورش می دانند، تعلیم و تربیت در بستر فرهنگی جامعه جریان پیدا می کند و لذا نمی تواند نسبت به تحولات فرهنگی جامعه بی تفاوت باشد و نقش آموزش و پرورش پس از انتقال فرهنگ، بسط و گسترش آن در موارد مورد نیاز به اصلاح فرهنگی است. بنابراین آموزش و پرورش از هر منظر که مورد بحث قرار گیرد؛ در کانون تعالی فرهنگی است، چه به مفهوم وسیله انتقال میراث فرهنگی از یک نسل به نسل دیگر و فرهنگ پذیری افراد جامعه، چه به مفهوم فراگرد رشد و تکامل انسان و تعالی جامعه و حتی در مفهوم فراگرد تغییر، تکامل و غنای فرهنگی، همواره آموزش و پرورش در قلب تعالی فرهنگی جامعه جای دارد و جزء اساسی آن است به این ترتیب، نقش آموزش و پرورش در توسعه فرهنگی با نقش آن در توسعه اقتصادی تفاوت خواهد داشت. در توسعه اقتصادی آموزش و پرورش هدف نیست، بلکه نقش «وسیله» را داشته و برای نیل به خواسته ها و نیازهای دیگر به کار گرفته میشود، ولی در توسعه فرهنگی به مفهوم تعالی و غنای اجتماعی، آموزش و پرورش در فرهنگی که قصد تکامل آن را دارد، ادغام شده و در قلب آن جای میگیرد و دیگر نقش وسیله را نداشته، بلکه خود جزء هدف های اساسی آن به شمار خواهد رفت برای نوسازی جامعه، آموزش و پرورش باید با نوگرینی ارزش ها از طریق سیاست های خاص، ارزش های نوینی را در قالب ارزش های کهنه بریزد و موازی با گسترش علوم و فنون با به کارگرفتن خلاقیت ها، دگرگونی ارزش های اجتماعی را عملی سازد. بدین گونه ضمن بهره گیری از فرهنگ در تنظیم برنامه های آموزشی، فرهنگ جامعه را نیز تغییر دهد تا پویایی فرهنگی حاصل شود. پویایی فرهنگی موجب نوگرایی و نوسازی هر جامعه است. به وسیله فرهنگ پویا میتوان خود را با شرایط محیطی متغیر تطبیق داد. لازمه اقدام به نوسازی و تغییر ارزش های فرهنگی در شئون اجتماعی، تکامل شناخت مردم یک جامعه است و وظیفه آموزش و پرورش در این زمینه کاملاً خطیر و سنگین است، زیرا آموزش و پرورش باید افراد جامعه را با فرهنگ های متمایز از یکدیگر، از نعمت دانش آموختن بهره مند سازد و حس ایجاد ارتباط را در آن ها بیدار کند تا از راه تعامل فرهنگی، دگرگونی مثبت فکری برای زندگی مشترک حاصل گردد آموزش و پرورش برخوردار از رهبری قادر و توانمند، می تواند همچون عاملی مؤثر در این زمینه اقدام کند. اقدام به نوسازی و تغییر ارزش های فرهنگی، مستلزم رشد و تکامل شناخت مردم است. در این مورد وظیفه آموزش و پرورش، کاملاً خطیر است، چرا که باید طبقات مختلف جامعه را از نعمت «فهم و بصیرت» بهره مند سازد. از این رو یکی از وظایف آموزش و پرورش جهت افزایش فهم و بصیرت اجتماعی، رشد قدرت رویارویی، با مسائل، تقویت مهارت کاوشگری و نیز پرورش تفکر خلاق در دانش آموزان است.

سیاست گذاری نظام آموزشی

نظام آموزشی هر جامعه جنبه ها و کنش های گوناگون دیگری نیز دارد و از نظر کل حیات اجتماعی و همین طور تکوین کنش ملی مردم جامعه ی واجد اهمیت بسیار است. به طور کلی نظام آموزشی ایران از نظر تأمین اهدافی که برای هر نظام آموزشی عنوان شد و همچنین روحیه ی قانون شناسی به عنوان یک اصل و اعتقاد درونی مفید فایده نیست.^۵

^۵ ملکی، حسن، «تعلیم و تربیت و مهندسی فرهنگی»، چاپ اول، گرگان: رشد فرهنگ، ۱۳۸۸، ص ۷۰.

^۶ فیوضات، یحیی، «نقش دانشگاه در توسعه ملی»، تهران: انتشارات ارسباران، ۱۳۸۲، ص ۵۵.

^۷ صانعی، پرویز، حقوق و اجتماع، انتشارات طرح نو، چاپ اول، ۱۳۸۱، ۵۶۱.

از طرفی یکی از ارکان اساسی توسعه یک کشور، بخش آموزش و پرورش آن است، این بخش از آن جهت دارای اهمیت فوق العاده است که هم ابزاری مهم برای توسعه بوده و هم یکی از اهداف توسعه محسوب می شود، در کشورهای مختلف، استقرار و فعالیت نظامهای آموزشی به یک جریان عادی و مستند تبدیل شده است و هر ساله بخش عظیمی از منابع عادی در قالب بودجه های دولتی و هزینه های شخصی، در این راه صرف می شود^۸ از طرف دیگر دو بعد اصلی و اساسی در سیاستگذاری ها عبارتند از عوامل (تصمیم گیران) و فرایند(روش) سیاستگذاری. هیچ یک از این دو بعد به تنهایی قادر به ارائه تصویر روشنی از سیاستگذاری نیست^۹. ترکیب این دو عامل منجر به پدید آمدن وضعیت جدید و اشکال گوناگونی از سیاستگذاری می شود که برخی کارا و برخی دیگر ناکارا و ناموفق خواهند بود با توجه به این مسئله که از جمله مهم ترین وظایف نظام آموزشی، تولید نیروی انسانی پرورش یافته، ماهر، توانمند، و لایق در عرصه های گوناگون اجتماعی است؛ آنچه که بیش از هر چیز دیگر در حال حاضر و در ابتدای کار، دارای اهمیت است، انجام درست یک تصمیم ملی است که دارای تبعات بین المللی است. اگر خطای سیاستگذاری دیروز منجر به بروز وضعیت ناگوار کنونی در گستره ملی شده است، اما خطای سیاستگذاری در حوزه بین المللی از مرز کشور گذشته و منجر به مخدوش شدن علم و علم آموزی ایرانیان کشور در عرصه بین المللی خواهد شد.

بررسی قوانین در زمینه سیاست گذاری نظام آموزشی

قوانین عادی معمولاً مربوط به قوه مجریه اند که عبارتند از: آیین نامه ها، بخشنامه ها، اساسنامه ها و دستورالعمل ها امروزه به علت توسعه ی روزافزون وظایف دولتها و افزایش نظارت و دخالت در امور عمومی، اجراء قوانین در هر زمینه برای تعیین حدود وظایف و اختیارات دولتها، مورد درخواست مردم بوده است؛ بنابراین قوانین هر جامعه، از جمله قوانین آموزش و پرورش، مبین حقوق و پاسخ دهنده ی نیازهای عمومی حال و آینده و دربرگیرنده ی همه ی مصالح اجتماعی و انتظارات مردم خواهد بود. در ایران قوانین متعددی در زمینه ی آموزش و پرورش وضع شده که به بعضی از آنها اشاره می کنیم، قوانین عادی بعد از انقلاب عبارتند از:

قانون تشکیل شورای عالی آموزش و پرورش (مصوب ۱۳۵۸)، قانون تشکیل شورای عالی هماهنگی آموزش فنی و حرفه ای (مصوب ۱۳۵۹)، قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش (مصوب ۱۳۶۶)، قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی (مصوب ۱۳۶۶)، قانون تشکیل شوراهای آموزش و پرورش در استانها، شهرستانها و مناطق کشور (مصوب ۱۳۷۲)، قانون اصلاح ماده یک لایحه قانون معافیت فارغ التحصیلان مراکز تربیت معلم از خدمت زیر پرچم (مصوب ۱۳۷۲)، قانون عضویت مدیریتهای نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس استان در کمیته ی برنامه ریزی استان (مصوب ۱۳۷۲)، قانون تعطیل واحدهای آموزشی و تحقیقاتی و فرهنگی که بدون اخذ مجوز قانونی دائر شده اند (مصوب ۱۳۷۲)، قانون تعیین آغاز سال تحصیلی در مدارس (مصوب ۱۳۷۶).

آئین نامه از معتبرترین دستورالعمل ها است که مانند قانون و تصویب نامه یک دستور عام و کلی است و معمولاً از طرف مراجع صلاحیت دار در مورد موضوع معین صادر می شود. در قدیم آئین نامه را نظامنامه می گفتند. آئین نامه برای روشن ساختن معنا و مراحل اجرائی یک قانون وضع می شود؛ زیرا قانونگذاران تمام جزئیات اجرائی یک قانون را نمی تواند پیشبینی کنند. آئین نامه مانند سایر اسناد رسمی ایجاد حق و تکلیف می کند و اجراء آن برای مقامات اداری، آموزشی و مردم امری الزامی است؛ مگر آنکه مفاد آن خلاف قانون اساسی و عادی باشد.^{۱۰}

^۸ جهانیان، رمضان؛ بررسی و تحلیل سیاست های توسعه ای آموزش و پرورش ایران در دوره معاصر، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره ۱۹، ۱۳۹۱، ص ۹۳

^۹ صغری، فیروزه، ارزیابی وضعیت کنونی نظام آموزش عالی ضرورت اجرای سیاست بین المللی شدن دانشگاه ها در ایران، کنگره ملی آموزش عالی ایران، ۱۳۹۵، ص ۱

^{۱۰} ایمانی، جواد، نگاهی به مفاهیم اساسی در خصوص سیاست، سیاستگذاری و چرخه سیاستگذاری باتاکیر بر خط مشی عمومی، ۱۳۹۴

با بررسی آیین نامه های موجود در بحث سیاست گذاری در نظام آموزشی به آئین نامه و مقررات مربوط به اداره مدارس بر می خوریم که طبق آن حق آموزش رایگان را در سطح مدارس و تعارضات و تناقضات قانونی و واقعیت های اجتماعی این امر را آشکار می سازد. مصوبات و آئین نامه های مربوط به اداره مدارس دولتی با توجه به سیاست ها و راهبردهای اساسی آموزش و پرورش از جمله اصل تمرکز زدایی، مدرسه محوری و توسعه مشارکت همه بعدی تنظیم گردیده است و سعی شده با تفویض اختیارات به مدارس زمینه ی تحقق اهداف تعلیم و تربیت فراهم شود. ماده ی ۶ آئین نامه اجرایی مدارس اعلام می دارد: «مدیر مدرسه موظف است با استفاده بهینه از منابع مالی دولتی و با بهره گیری از مشارکت های اختیاری مردمی و کمک های خیرین و تقویت منابع اعتباری مدرسه شرایط لازم را برای اجرای مناسب برنامه مدرسه فراهم کند.» بررسی دقیق این آیین نامه به وضوح اصول قانون اساسی در مورد رایگان بودن نظام آموزشی و به تبع آن سیاست گذاری ها در این زمینه را زیر سؤال می برد که در این زمینه اقدام مناسبی انجام نشده است.

شورای عالی انقلاب فرهنگی بعنوان عالی ترین مرجع فرهنگی نظام جمهوری اسلامی، مأموریت مهندسی فرهنگی کشور و به تبع آن هدف گذاری، سیاست گذاری تعیین راهبردهای کلان نظارت و پیگیری و اعمال آنها در راستای تحقق اهداف و برنامه های بلند مدت سازمان های مجری و همچنین ارزیابی راهبردی نتایج حاصله از اجرای این سیاست ها و برنامه ها و نهایتاً پیش بینی اقدامات اصلاحی در خصوص جهت دهی و هدایت راهبردی فرهنگ کشور را به عهده دارد.

در این راستا این سازمان به عنوان یکی از اصلی ترین مرجع ها در ارائه راهکارها و انتخاب رؤسای دانشگاه ها و مراکز آموزشی اصلی ترین نقش را در زمینه سیاست گذاری نظام آموزشی را بر عهده دارد. در این راستا این شورا با تصویب برنامه های چند ساله به ارائه برنامه های مشخص به دانشگاه ها در جهت سیاست گذاری نظام آموزشی نقش اصلی را ایفا می کند. یکی از اصلی ترین این عملکردها سند تحول بنیادین می باشد که در ادامه پژوهش به آن اشاره می شود.

بخشنامه، شامل مقررات و دستورالعمل هائی است که از طرف مقامات بالاتر خطاب به مقامات و کارکنان زیر دست براساس سلسله مراتب اداری صادر می شود. هدف اساسی از صدور بخشنامه، ارشاد و راهنمایی مقامات پائین تر از طرف مقامات بالاتر و ایجاد هماهنگی در اجراء مفاد قانون، تصویب نامه، اساسنامه و آئین نامه است. بخشنامه علاوه بر جنبه آموزشی و فرهنگی، مانند سایر مقررات اداری، جنبه امری و دستوری نیز دارد.

در وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم و تحقیقات و سایر وزارتخانه ها و سازمان ها، بخشنامه های متعددی صادر می شود، از جمله:

- ثبت نام دانش آموزان کلاسهای اول دبستان و سایر کلاسهای ابتدائی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه، نقل و انتقال معلمان در هر سال تحصیلی، استخدام معلمان پیمانی، دستورالعمل انتخاب و تشویق معلمان نمونه، دستورالعمل استخدام مربیان پرورشی، دستورالعمل نحوه ی ارزشیابی معلمان مدارس ابتدائی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه، ثبت نام دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی در شاخه های متوسطه

فنی و حرفه ای، نحوه ی شرکت معلمان در کنکور فرهنگیان، ضوابط شرکت در امتحان مراکز تربیت معلم، نحوه ی پرداخت هزینه ی حق التدریس به معلمان و دبیران دوره های مختلف تحصیلی، دستورالعمل انجام امتحانات داخلی و نهائی از آنجا که تصویب نامه، آئین نامه، اساسنامه و بخشنامه از جمله تدابیری هستند که معمولاً قوه مجریه برای انجام دادن وظایف و رسالت اجرایی خود انتخاب می کند، به هیچ وجه نباید با قوانین موضوع مغایرت داشته باشند

ستون مقررات هر تأسیس حقوقی را اساسنامه می نامند. اساسنامه سندی رسمی است که هدف، اصول، ارکان، شرایط اعضاء و طرز کار یک سازمان را معین می سازد. ایجاد هر مؤسسه حقوقی مانند مؤسسات آموزشی، شرکتهای مختلف و انجمن های خیریه، مستلزم داشتن اساسنامه

^{۱۱} مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش - دبیرخانه شورای عالی آ.پ - انتشارات مدرسه - تهران ۱۳۸۲ ص ۱۸۱

^{۱۲} یار محمدیان، محمدحسین، مبانی و اصول برنامه ریزی درسی (چاپ سیزدهم)، انتشارات یادواره کتاب، ۱۳۹۳، ص ۱۲۶

است. در وزارت آموزش و پرورش اساسنامه های مؤسسات آموزشی تا پایان دوره ی متوسطه باید به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش برسد. اساسنامه ی مؤسسات آموزشی دوره های آموزش عالی، معمولاً در، شورای عالی انقلاب فرهنگی، با مراجعی که قانون معین می کند به تصویب می رسد.

با بررسی اساسنامه های موجود در زمینه سیاست گذاری در نظام آموزشی کشور اصلی ترین اساسنامه ای که به چشم می خورد اساسنامه ی نهضت سوادآموزی جمهوری اسلامی ایران می باشد. این اساسنامه داری ۸ ماده است. ماده ۱ این اساسنامه بیان می کند: نهضت سوادآموزی سازمانی است وابسته به وزارت آموزش و پرورش که به منظور ریشه کن ساختن بی سوادی با توجه به ماده ۸ انجام وظیفه می نماید. همانطور که در ماده ۱ این اساسنامه تصریح شده است، هدف اصلی از ایجاد این نهاد ازبین بردن بی سوادی است. ماده ۴ این اساسنامه وظایف این سازمان را احصا می کند که از جمله ی آن آموزش بزرگسالان در حد خواندن و نوشتن و آموختن حساب است. تبصره ی ۱ ماده این قانون ارگان های دولتی و نهادهای انقلابی را موظف می کند که کلی هی امکانات خود را در صورتی که وقف های در وظایف ایشان وارد نیاید، در اختیار نهضت قرار دهند و نهضت هم موظف است از همه ی امکانات استفاده کند^{۱۴}.

بعضی از اساسنامه های مهم در وزارت آموزش و پرورش که به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش رسیده است عبارتند از:

اساسنامه دانشگاه تربیت مدرس (مصوب ۱۳۶۵) اساسنامه دانشگاه نیمه حضوری و آموزش از راه دور (مصوب ۱۳۵۵) اساسنامه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی (مصوب ۱۳۶۶)

نقش قانون اساسی در سیاست گذاری نظام آموزشی

هر سیستمی به وسیله سیستم های بزرگتر احاطه شده است که به آن فراسیستم گفته می شود. نظام آموزشی نیز به عنوان یک سیستم از این قاعده مستثنی نیست و بوسیله نظام اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حتی بین المللی احاطه شده و از آنها تأثیر می پذیرد. یعنی هر تغییری در نظام اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی رخ بدهد در نظام آموزشی هم تأثیر می گذارند. دایره مرکزی نظام تعلیم و تربیت، نظام آموزشی کشور است و نظام اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور است که لایه ی بعدی این نظام آموزشی را تأمین می نماید و در نهایت به نظام هستی و نظام کل کائنات ختم می شود. البته نظام آموزشی همیشه خرده سیستمی از سیستمهای مذکور نیست بلکه بعنوان یک نظام همکار با سایر نظام ها فعالیت می کند و تأثیر انکار ناپذیری بر آنها دارد. سیاست، تصمیم گروهی یا انفرادی آشکار یا غیر آشکار ی است که مجموعه ای از رهنمودها برای هدایت تصمیمات آینده، شروع یا کند نمودن یک اقدام، یارانهایی اجرایی درمورد تصمیمات قبلی را فراهم می آورد. سیاست گذاری اغلب به عنوان یک تسمه نقاله تلقی میشود که در آن مشکلات ابتدا به عنوان یک مسئله مورد توجه قرار می گیرند، دوره های مختلف عمل بررسی می شود و خط مشی ها تعیین می گردد و توسط کارکنان اجرا و ارزیابی میگردد و تغییر میابد و سرانجام بر اساس موفقیت یا شکست آنها پایان میابد^{۱۵}. سیاستگذاری، نخست باید آرمان های نظام سیاسی حاکم بر کشور را در ارتباط با نظام سیاسی حاکم بر جهان در نظر گرفت و چرخه در سیاست گذاری ملی را با توجه به این آرمان ها و با استفاده از بافت سیاستگذاری طراحی نمود. در مرحله بعد، چرخه سیاستگذاری را با توجه به آرمان های نظام آموزش و پرورش برای نظام آموزشی و با استفاده از بافت سیاستگذاری آموزشی طراحی نمود. در درون این دو سطوح و لایه های سیاستگذاری و در چارچوب یک الگوی سیستمی، عناصر درون داد، فرایند و برون داد نظام آموزشی را مدنظر قرار داد که تعامل چند جانبه با سطوح و لایه های سیاستگذاری، عوامل بافتی نظام آموزشی، آرمان های نظام سیاسی، آرمان های نظام آموزشی

^{۱۳} دانش ناری، زهرا، حق و آزادی آموزش و پرورش، فصلنامه حقوق بشر اسلامی، شماره ۱۳۹۲، ص ۵۳، ص ۱۴

^{۱۴} کریمی، فریبا؛ سلیمی، محمدرضا، تفاوت سیاستگذاری در سازمانهای آموزشی و غیرآموزشی، دومین همایش بین المللی مدیریت و فرهنگ و توسعه،

۱۳۹۴، ص ۱۱۵

^{۱۵} صداقت، محمدعارف، مبانی روانشناختی برنامه ریزی آموزشی و درسی، ۱۳۸۹، ص ۹

و دارد. حاصل این فرایند در سطوح و لایه های مختلف، انواع سیاست های حمایتی، استخراجی، توزیعی، تنظیمی و نمادین است. در ارتباط با نظام آموزشی همه این سیاستها، عوامل و عناصر طرح شده در مدل کلی همانند یک سیستم با هم تعامل چندجانبه دارند تا هدف نظام آموزش که تربیت دانش آموز کنجکاو، آفرینش گر، گزینش گر، مشارکت جو، دارای حق بودن و امکان شدن و برتر شدن و... است، به منصف ظهور برد. ضمن آنکه علم سیاست گذاری به مطالعه سیاست ها و عملکردهای مشخص دولت در زمینه های گوناگونی چون سیاست کشاورزی، بهداشتی، آموزش و پرورش و همچنین زیرمجموعه های گوناگون هریک از این موارد می پردازد^{۱۶}. مطلوب بودن سیاست گذاری مرهون عوامل مختلف و زیر ساخت های متعدد است اما شناخت یک سیاست مطلوب با بررسی مولف های ذیل قابل تامل است:

۱- یک سیاست خوب، سیاستی است که از سوی جامعه پذیرفته شود و شهروندان و گروه های ذی نفوذ باید احساس کنند که: سیاست ها، ارزش های مهم آنها، چون انصاف، برابری، سازگاری، عدالت و مانند آنها منعکس می کنند.

۲- یک سیاست خوب باید از حیث سیاسی ماندگار باشد. بدین معنا که عمیق باشد، به اندازه کافی جامعه هدفش را پوشش دهد و از حمایت جمعی برخوردار باشد.

۳- یک سیاست خوب باید از نظر تکنیکی، صحیح و با معیارهای تکنیکی و عملی ایجاد شده برای حمایت از آن مطابقت داشته باشد.

در مجموع، ارزش ها، اساس سیاست عمومی است و در سیاست گذاری باید به ارزش های افراد، گروه ها و جامعه توجه کرد و به این ارزش ها احترام گذاشت

از موضوعات مهمی که در قانون اساسی کشورهای مختلف جهان از جمله قانون اساسی کشور ایران مطرح شده، می توان موضوع برخورداری اقشار مختلف جامعه از حق تعلیم و تربیت و میزان مسئولیت و نظارت دولت در امر آموزش و پرورش را نام برد. بررسی تاریخی در خصوص مساله مهم آموزش و تربیت در ایران حاکی از آن است که در دوره ی مشروطه و قانون اساسی وقت نیز به این مهم توجه شده است. اصول ۱۸ و ۱۹ متمم قانون اساسی مشروطیت به طور مستقیم و اصل ۲۰ به طور غیرمستقیم ناظر بر آموزش و پرورش کشور و مبین نقش دولت در اداره ی آموزش و پرورش بوده است. این اصول عبارتند از:

اصل ۱۸: تحصیل، تعلیم، علوم و معارف و صنایع، آزاد، مگر آنچه شرعاً ممنوع باشد.

اصل: ۱۹ تأسیس مدارس به مخارج دولتی و ملتی و تحصیل اجباری باید مطابق با قانون وزارت علوم و معارف مقرر شود و تمام مدارس و مکاتب باید تحت ریاست عالی و مراقبت وزارت علوم و معارف باشند.

اصل ۲۰: عامه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره به دین مبین، آزاد و ممیزی در آنها ممنوع است ولی هرگاه چیزی مخالف مطبوعات در آنها مشاهده بشود، نشردهنده یا نویسنده طبق قانون مطبوعات مجازات می شود، اگر نویسنده معروف و مقیم ایران نباشد، طابع و موزع از تعرض مصون هستند^{۱۷}. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب آبانماه ۱۳۵۸ به طور مستقیم و غیرمستقیم به امر آموزش و پرورش و نقش دولت توجه شده است. بعضی از این اصول عبارتند از:

اصل سوم. دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم قانون اساسی همهی امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:

^{۱۶} نادری، ناهید؛ نوروزی، رضاعلی و سیدعلی، سیاستگذاری در آموزش و پرورش (چاپ دوم)، انتشارات یارمانا، ۱۳۹۵، ص ۱۱۲

^{۱۷} صداقت، پیشین، ص ۱۱

۱. ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی براساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی.
 ۲. ارتقاء سطح آگاهی های عمومی در همه زمینهها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه های گروهی و وسایل دیگر.
 ۳. آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه، در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی.
 ۴. تقویت روحیه ی بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان.
 ۵. تأمین خودکفائی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها.
- اصل پانزدهم: زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد، ولی استفاده از زبانهای محلی و قومی در مطبوعات و رسانه های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی، آزاد است.
- اصل شانزدهم: از آنجا که زبان قرآن و علوم و معارف اسلامی عربی است و ادبیات فارسی کاملاً با آن آمیخته است، با این زبان باید پس از دوره ابتدائی تا پایان دوره متوسطه در همه ی کلاسها و در همه رشته ها تدریس شود.
- اصل سی ام: دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ی ملت تا پایان دوره ی متوسطه فراهم سازد و وسایل و تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفائی کشور به طور رایگان گسترش دهد.
- اصل یکصد و چهارم: به منظور تأمین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور در واحدهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی، شوراهائی مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران و در واحدهای آموزشی، اداری، خدماتی و مانند اینها شوراهائی مرکب از نمایندگان اعضاء این واحدها تشکیل می شود. چگونگی تشکیل این شوراها و حدود وظایف و اختیارات آنها را قانون معین می کنند. دقت نظر در اصول و بندهای فوق نشان می دهد که واضعان قوانین و مقررات عمومی، سیاستگذاران و برنامه ریزان آموزشی باید، به هنگام وضع قوانین و مقررات و تشکیل شوراها و تدوین برنامه های آموزشی، مفاد اصول ناظر بر امر آموزش و پرورش در قانون اساسی را مورد توجه قرار داده، رعایت کنند.
- از طرفی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، براساس بند ۳ از اصل سوم، دولت را موظف نموده تا امکانات خود را برای آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه، در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی، به کار گیرد و روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی را از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان تقویت کند. همچنین اصل سی ام با تفصیل مقرر می دارد: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور بطور رایگان گسترش دهد.» با نگاهی اجمالی به اصل سوم و سی ام قانون اساسی درک می شود که تأکید قانونگذار در دو سطح آموزش و پرورش عمومی و آموزش عالی مدنظر بوده است. دولت باید تهیه وسایل آموزش و پرورش تا پایان دوره متوسط را به شکل رایگان و برای تحصیلات عالی تا سر حد خودکفایی، آموزش رایگان را گسترش و دهد. مفهوم «رایگان» را از جنبه های مختلف می توان نگاه کرد:

(۱) رایگان بودن در سطح آموزش و پرورش عمومی تنها مربوط به هزینه های نام نویسی (شهریه) نیست. بلکه رایگان بودن فضای آموزشی لازم، معلم، کتابهای درسی، نوشت افزار، تغذیه، رفت و آمد و... مد نظر است. چرا که فلسفه ی قانونگذار در تعیین اصل فوق، توسعه آموزش

برای همه مردم است و بسیاری از مردم قادر به مهیای امکانات فوق بر فرزندان خویش نیستند. و هیچ کس نباید به علت عدم استطاعت مالی از تحصیل علم محروم بماند. هر یک از مردم ایران حق دارند که از حقوقی که قانون برایشان تعیین نموده است برخوردار گردند.^{۱۹}

۲) اما اگر از بینشی آرمان گرایانه با نگرشی منصفانه به این موضوع نگریسته شود، درک می‌گردد که دولت با توجه به وضعیتی که به لحاظ سیاسی و اقتصادی در عرصه‌ی جهانی دچار است و با توجه به رشد جمعیت طی چند سال اخیر، هرگز قادر نخواهند بود به تنهایی بدون دخالت بخش غیردولتی به توسعه‌ی آموزش بپردازد. بنابراین قید «رایگان بودن» با این امر که «بخش‌های غیردولتی و خصوصی با استفاده از امکانات و سرمایه‌های شخصی، به طور مستقل و جدای از دولت به آموزش و پرورش عمومی و آموزش عالی اقدام کنند، مغایرتی نداشته است و هر قشر و گروهی از مردم که بخواهند از امکانات و اموال خود برای تربیت فرزندان خود و دیگران سرمایه‌گذاری کنند، بلامانع خواهد بود. لیکن طبیعی است که دولت باید نظارت و کنترل لازم را به عمل بیاورد.»^{۲۰}

۳) عبارت: «وسایل آموزش و پرورش رایگان»، «برای همه ملت» و «تا پایان دوره متوسطه» مشابهت‌هایی با اعلامیه جهانی حقوق بشر دارد: یعنی قید «رایگان بودن» مشابه اعلامیه جهانی حقوق بشر است. اما قانون اساسی قید «اجباری بودن» را که در اعلامیه مذکور آمده، ندارد.^{۲۱}

قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش از جمله قوانینی می‌باشد که نقش مهمی در سیاست گذاری نظام آموزشی داشته است. فصل اول این قانون اهداف اساسی این وزارتخانه را تبیین می‌کند. ماده ۵ این قانون بیان می‌کند: «برخورداری از آموزش‌های عمومی برای کلیه ی دانش آموزان کشور باید به گونه ای باشد که برحسب استعداد و جنس بتوانند از تعلیمات مناسب جهت شکوفایی خلاقیت ها بهره مند شوند. این ماده اشاره ی صریحی به بحث جنسیت در امر آموزش دارد و در واقع آزادی آموزش را فارغ از جنسیت می‌پذیرد اگرچه قبل از آن در قانون اساسی و بر اساس اصل ۱۵ همه ی ملت اعم از زن و مرد از حقوق یکسان برخوردارند و رنگ، نژاد و زبان و مانند اینها سبب امتیاز نیست ماده ۷ این قانون بیان می‌دارد: به منظور تعمیم و توسعه ی آموزش و پرورش کشور، زمینه های جلب مشارکت مردم در امر آموزش و پرورش از هر طریق ممکن فراهم آید. تبصره این ماده بیان می‌دارد که وزارت مکلف است به اشخاص حقیقی و حقوقی که دارای صلاحیت های علمی و اخلاقی بوده و متقاضی تأسیس مدارس ابتدایی، راهنمایی و متوسطه با هزینه ی خود و همیاری مردم و اولیا دانش آموزان باشند و متعهد شوند که در چارچوب سیاست ها و اهداف جمهوری اسلامی ایران فعالیت نمایند، مجوزهای لازم را اعطا کنند. در واقع تبصره ی مذکور آزادی تأسیس مدارس خصوصی را به رسمیت می‌شناسد. به طور کلی درباره ی قانون مذکور می‌توان گفت این قانون یک قانون سازمان دهنده است و در جهت تحقق اصولی از قانون اساسی است که به آموزش و پرورش اهتمام داشته است. از دیگر قوانین مرتبط با آموزش و پرورش قانون برنامه پنجم توسعه ی جمهوری اسلامی ایران است. بند ج از ماده ی ۱۹ قانون مذکور بیان می‌دارد: «آموزش و پرورش مجاز است در حدود مقرر در اصل ۱۵ قانون اساسی گویش محلی و ادبیات بومی را در مدارس تقویت نماید». کشور جمهوری اسلامی به لحاظ فرهنگی یک کشور کثرت گراست. تنوع قومی و نژادی در داخل کشور تنوع فرهنگی را به همراه دارد و به همین خاطر این امر ایجاب می‌کند که در کنار برنامه های آموزش ملی به آموزش محلی نیز توجه شود.^{۲۲}

^{۱۹} حتی «ژان پیازه» در تفسیر اعلامیه جهانی حقوق بشر در مورد رایگان بودن معتقد است که این امر را نباید به یک اقدام منفی (یعنی نگرستن شهریه یا حق ثبت نام) منحصر کرد. مسایل بی‌شماری در زمینه‌ی رایگان بودن مطرح است که پاره‌ای از آنها به یک معنی جنبه‌ی خارجی دارند) از قبیل مخارج رفت و آمد، تهیه جزوه، کتاب، پوشاک و... و پاره‌ای دیگر از لحاظ پیشرفت تعلیم و تربیت حیاتی هستند (مانند مجانی بودن لوازم آرایشگاهی)

^{۲۰} شعبانی، قاسم، «حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران»، انتشارات اطلاعات، تهران، چاپ هشتم، ۱۳۷۹، صص ۸۷-۸۶

^{۲۱} صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

^{۲۲} تاجیک اسماعیلی، عزیزالله، آموزش و پرورش، جامعه ی مدنی، حقوق و تربیت شهروندی، نشریه آیین، آبان، شماره ۳۲، ص ۱۹

اهمیت و ضرورت آموزش قانون اساسی

اهمیت آموزش در تعالی انسان از کسی پوشیده نیست و این آموزش در زمینه های گوناگون باعث پرورش آدمی می گردد و از آن جایی که کودکان بی سواد، نادان و غیر مطلع از فرهنگ جامعه شان به دنیا می آیند برای یادگیری فرهنگ شان، هنجارهای رفتاری افراد بالغ، یادگیری مهارت ها و یافتن نقششان در اجتماع و رسیدن به اهدافشان نیاز به آموزش دارند

تعلیم و تربیت افراد و رشد در محیط های گوناگون و با آموزه های مختلف سبب به وجود آمدن افرادی متفاوت می گردد و به هرکس جهان بینی خاصی می بخشد و خانواده و از اجتماع خانواده ها، جامعه ای متفاوت می سازد از این رو همواره باید نقش مهم تعلیم و تربیت را مورد مذاقه قرار داد و برای داشتن جامعه ای توانا به آن امید داشت چرا که عرصه تعلیم و تربیت از مهمترین زیر ساخت های تعالی همه جانبه کشور و ابزار جدی برای ارتقای سرمایه انسانی شایسته کشور در عرصه های مختلف است^{۲۳}

اهمیت این آموزش ها در دوران کودکی و خردسالی که دوره شکل گیری ذهنیت ها و انگاره های اخلاقی و فرهنگی استبیش از پیش است زیرا در این دوران شکل گیری اصول و شاکله بندی داده ها در ذهن با سرعت و ماندگاری بیشتری صورت می پذیرد و مانند حکاکی روی سنگ مانا می ماند و اگر این آموزش ها در خردسالی نباشد در بزرگسالی فرد تاثیر گذار خواهد بود آنچنان که به تقدم اجتماعی نخواهد رسید^{۲۴}.

در اسناد بین المللی بسیاری به حق بر آموزش و تعلیم افراد اشاره شده است برای نمونه می توان به اعلامیه جهانی حقوق بشر اشاره کرد که در آن همه افراد حق دارند که از آموزش و پرورش بهره مند شوند و این آموزش ها تا محدوده ابتدایی باید رایگان در اختیار شهروندان قرار گیرد تا همگان از آن بهره ور گردند در ادامه همین ماده به محتوای آموزش های داده شده اشاره می شود و خط و مشی در این باب ارائه می نماید که نتیجه ی به کارگیری آن در نهایت رسیدن به حد کمال رشد و بلوغ فکری و سیاسی افراد برای زیست توأم با خردورزی و دموکراسی است. با تدقیق در این ماده می توان ترجمان کامل اصول اساسی دموکراسی و ویژگی های یک جامعه مردم سالار و قانون مدار را در لابه لای سطور آن مشاهده نمود که تاکید بر این امر که محتوای آموزش و پرورش باید چنین باشد خود تاکید بر اهمیت آموزش در تعالی جامعه است و برای رسیدن به کمال مطلوب، باید از آموزش و پرورش شروع نمود تا به سر منزل نهایی رسید. در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی نیز به حق آموزش افراد اشاره شده و آن را جز حقوق بنیادین می داند و کشورهای طرف میثاق را ملزم به شناسایی این حق که هدف این آموزش باید تعالی ابنای انسانی و رشد کامل شخصیت آنها باشد تا فرد را برای عهده دار شدن نقش های اجتماعی سود مند در جامعه آماده سازد. امروزه آموزش در سطح وسیعی به صورت یک حق بنیادین و غیر قابل انکار پذیرفته شده است و در قوانین اساسی کشور ها جلوه گر گردیده است به طوری که از میان ۱۹۱ قانون اساسی ۸۱ درصد آنان از آموزش در دوره ابتدایی حمایت کامل نموده و ۳۷ درصد از آموزش در دوره بعد و ۳۵ درصد از آموزش در مقاطع بعدی حمایت نموده و آن را به عنوان حقی بارز و آشکار برای شهروندان قلمداد کرده اند^{۲۵}.

در قانون اساسی ایران نیز در اصول متعددی به امر آموزش اشاره شده است برای نمونه دولت جمهوری اسلامی موظف شده تا امکانات خود را برای آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان به کار گیرد و یا اینکه دولت باید آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه تامین نماید و در اصل دیگری برای تامین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و تامین نیازهای آدمی در جریان رشد،

^{۲۳} روایت دیگری از امام اول شیعیان: من لم يتعلم فی الصغر لم يتقدم فی الکبر

^{۲۴} عاملی، سعیدرضا، محمدخانی، نجمه، ارتباطات بین فرهنگی و گفتمان حقوقی، آموزشی و رسانه ای ایرانی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول شماره ۴

۱۳۸۷، ص ۴۱،

^{۲۵} همان، ص ۴۲

اقتصاد این مرز و بوم را استوار بر اصولی می داند که یکی از آن ها تامین نیاز های اساسی است که در آن آموزش و پرورش جز نیازهای اساسی و ضروری تلقی گردیده است که خود نمایان گر تاکید قانون گذار اساسی بر اهمیت تعلیم و تربیت و آموزش شهروندان ایرانی است.

در دیگر متون و قوانین نیز بر مبنای فرامین قانون اساسی، بر آموزش شهروندان تاکید شده و به عنوان حقی همگانی شناخته شده است برای نمونه در منشور حقوق شهروندی دولت جدید تمامی شهروندان ایرانی از حق بهره مندی از امکانات تحصیل رایگان تا پایان دوره متوسطه و تحصیلات دانشگاهی برخوردار گشته اند و همچنین وظایفی برای دولت مشخص نموده است و بهره مندی از آموزش را جز حقوق شهروندی افراد دانسته و دولت را موظف به فراهم نمودن شرایط لازم برای آموزش شهروندان کرده است.

از سوی دیگر با کندوکاوی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش دیده می شود که از جمله اهداف کلان این سند، تربیت انسانی قانون مدار و نظم پذیر و آماده برای ورود به عرصه اجتماع است و از جمله راهبردهای کلان آن ارتقای معرفت و بصیرت دینی و انقلابی و سیاسی افراد است تا پرورش یافتگانی داشته باشیم که با درک مفاهیم اجتماعی و سیاسی و احترام به قوانین، مشارکت موثر در عرصه های گوناگون زندگی جمعی داشته باشند و از راهکارهای ارائه شده برای حصول این مهم مشارکت فعال آموزش و پرورش در روبرویی با مسائل عمومی جامعه از جمله حاکمیت قانون و مقررات موجود در آن است که همگی جلوه گر اهمیت آموزش به شهروندان است.^{۲۶}

معمولا آموزش افراد از دوران خردسالی و در مراکز عمومی مانند مدارس و کودکستان ها آغاز و بعد از گذراندن دوره های مختلف در نهایت فرد به آموزش عالی دست می یازد. محتوای این مطالب فراگرفته شده در این مراکز معمولا از جانب دولت و حکومت به طور عام و وزارت آموزش و پرورش کشورها به صورت خاص مشخص می گردد که علاوه بر مطالبی که جنبه عمومی دارند (مانند خط و زبان رسمی کشور و مقدماتی از علوم پایه و علوم انسانی) مطالبی که ارکان نظام سیاسی کشور را تشکیل می دهند نیز به افراد آموزش داده می شود به عنوان نمونه چون مذهب و دین رسمی ایران اسلام و مذهب شیعه جعفری است در نتیجه شاهد تدریس کتب دینی بر اساس آئین اسلام و مذهب رسمی کشور هستیم و یا تدریس و آموزش زبان عربی که آموزش آن پس از اتمام دوره ابتدایی تا پایان دوره متوسطه در تمامی رشته ها الزامی است. این امور نمودی از رویکرد دولت اسلامی در آموزش تعلیم اسلام است زیرا که حکومت ایران جمهوری اسلامی است. بر همین مبنا با روی کار آمدن حکومت اسلامی در ایران یکی از تعلیم مهم مدارس و دانشگاه ها، تعلیم آموزه های آئین خداوندی اسلام به صورت اختصاصی (مانند رشته های علوم دینی و فقهی در دانشگاه ها) یا به صورت عمومی (مانند دروس عمومی در مدارس و دانشگاه ها) قرار گرفت. در کنار این مهم، آموزش های دیگری در مدارس و مراکز علمی داده می شود که آنها نیز جنبه عمومی دارند از جمله آموزش داده های اجتماعی و مسائل شهروندی که به صورت دروسی تحت عنوان مطالعات اجتماعی و جامعه شناسی ارائه می گردد تا افراد برای نقش پذیری در جامعه آماده گردند با قبول این امر که حداقل هدف عینی که می توان برای تعلیم و تربیت سراغ گرفت اجتماعی کردن کودکان و آماده سازی آنان برای به عهده گرفتن مسئولیت فردی و اجتماعی در آینده و موفقیت در زندگی است.^{۲۷}

اما در این میان یکی از مسائل مهم فراموش شده در تعلیم عمومی و تربیتی افراد جامعه، آموزش قوانین است از جمله قانون اساسی که قانونی است بنیادین و ضمیر انعکاسی همه ی قوانین در یک مجموعه حقوقی، تا افراد با فرا گرفتن آن از سنین کم بر مبنای آن رفتار و سلوک اجتماعی داشته باشند و با دامنه حقوق در نظر گرفته شده برای خویش از جانب زمامداران آشنا شوند اما اغلب شهروندان ایرانی حتی

^{۲۶} همان، ص ۴۵^{۲۷} نیلوفر، حسین، دولت، والدین و تعلیم و تربیت (تحلیل فلسفی حقوقی حق بر تعلیم و تربیت)، نشریه حقوق اساسی، - سال چهارم شماره

از حقوق اساسی خود، نحوه تامین و تحقق آن ها و حتی دادخواهی در صورت تضییع این حقوق آگاهی و اطلاع کافی ندارند. این در حالی است که بدون آگاهی فرد مستحق به حقوق خود، سایر مراحل مربوط به استیفای حق منقطع می گردد^{۲۸}

عدم مطالعه قانون اساسی توسط مردم ذهن را رهنمون به دو علت می نماید: اول خود مردم که نسبت به یادگیری آن علاقه نشان نداده و جز عده ی معدودی از دانشگاهیان و حقوقدانان و سیاستمداران، عامه مردم از یادگیری اصول آن غافل بوده اند. دوم دولت و سیستم آموزشی کشور که یادگیری حقوق اساسی و در صدر آن قانون اساسی را سرلوحه آموزش های عمومی قرار نداده است. دولت بر اساس قانون اساسی موظف به بالا بردن سطح آگاهی های عمومی مردم است و باید در این زمینه تدابیر لازم را مد نظر قرار دهد و آموزش قانون اساسی را سرمشق و وظایف آموزشی خود قرار دهد.

ضرورت و اهداف آموزش قانون اساسی در مقاطع مختلف

در این گفتار با بررسی ضرورت و آموزش قانون اساسی در مقاطع مختلف بر آن هستیم رشد و توسعه فردی، تبیین نگرش ها و ارزش ها و توانمندی در مهارت اصلی را به عنوان سه رکن ضرورت و اهداف آموزش قانون اساسی در مقاطع مختلف را بیان کنیم.

رشد و توسعه فردی

مبنای روان شناختی برنامه درسی قانون اساسی تأکید خود را بر توسعه شناخت خود، خود پنداری های مثبت و برهویت قومی و فرهنگی بنا می نهد. تأکید بر این حوزه ها، بخشی از هدف آموزش قانون اساسی در خصوص کمک به رشد و توسعه فردی دانش آموزان را شکل می دهد. رشد و توسعه فردی بیان می کند که داشتن حس بهتر درباره خویش، بر پیشرفت های کلی ذهنی، تحصیلی و اجتماعی دانش آموزان تأثیر گذار است. دانش آموزانی که درباره خود احساس خوبی دارند به احتمال زیاد اجتماعی تر بوده و تعاملات بیشتری را با دیگران پذیرفته و به فرهنگ و هویت آنان احترام می گذارند. این استدلال را می توان در مورد روابط میان خود پنداری، پیشرفت تحصیلی، قومیت، فرهنگ و هویت فردی، بیشتر توجیه می نمود. آموزش چند فرهنگی به متولیان تعلیم و تربیت کمک می کند اهداف مربوط به افزایش حداکثری توانایی انسانی، برآورده ساختن نیازهای فردی و آموزش به کودک را با تقویت احساسات مربوط به خود ارزشمندی، اعتماد به نفس و توانایی آنها محقق سازند^{۲۹}.

تبیین نگرش ها و ارزش ها

آموزش قانون اساسی دارای فواید بسیاری در مقاطع مختلف تحصیلی می باشد که مهمترین آن شناخت حقوق اولیه می باشد که در پرتو آموزش آن بحث قومیت و نگرش ها از اهمیت فراوانی برخوردار می باشد. هم اکنون تعصب شدید قومی و ارزش های قوم پرستانه در جامعه جهانی وجود دارد که برگرفته و مبتنی بر باروهایی است که هیچ مبنایی در واقعیت ندارند، ولی عموماً زنده هستند. گی (۲۰۰۶) چندین نمونه از این نکته را از کشور آمریکا بیان می کند: نرخ بالای بیکاری در میان آمریکاییان آفریقایی تبار، پورتوریکویی، مکزیکی و سرخپوستان آمریکایی، مردم را به این باور سوق می دهد که این گروه ها تنبل بوده و اخلاق حرفه ای کمتری دارند. کنترل اکثر مؤسسات عمده و مشاغل دارای قدرت توسط آمریکایی اروپایی تبار مردم را به این گمان می اندازد که این مشاغل بدین علت در اختیار آمریکاییان و برجستگی مهاجرین جدید و اعضای گروه های نژادی در مشاغل سطح پایین خدماتی، برخی افراد را به این نتیجه گیری رسانده است که وضع اقتصادی آنها مترادف با ارزش انسانی شان است و آنها مطابق آن عمل می کنند. گمان می رود آمریکاییان آسیایی تبار خیلی متفکرند به این علت که آمریکاییان ژاپنی و چینی تبار اغلب بر اساس معیارهای انتخابی برای توانایی فکری، عملکرد خوبی را از خود به نمایش گذاشته اند. تمایل

^{۲۸} ساعد، نادر، تاملی بر ساختار قانونی حقوق بنیادین شهروندی با تأکید بر وجاهت آن در قانون اساسی، اطلاع رسانی - حقوق، شماره ۷۲، تهران،

^{۲۹} صادقی، علیرضا. بررسی سند برنامه درسی جمهوری اسلامی ایران بر اساس رویکرد آموزش چند فرهنگی. فصلنامه علمی-پژوهشی انجمن

براینست دادن خصوصیات و رفتارهای افراد به کل گروه قومی که متعلق به آن هستند، مبنایی برای زنده نگه داشتن کلیشه‌ها، تعصب‌ها و نژادپرستی محسوب می‌شود. برنامه درسی چند فرهنگی ارزش‌های اصلی را که از اصول عزت انسانی، عدالت، برابری، آزادی، استقلال فردی و دموکراسی ناشی می‌شوند، ارتقاء می‌دهد. قصد براین است که به افراد یاد داده شود تا به کثرت‌گرایی قومی احترام گذاشته و از آن استقبال کنند و در عین حال بدانند که تفاوت‌های فرهنگی با ناکارآمدی‌ها و حقارت‌ها مترادف نیست. همچنین تشریح نگرش و ارزش‌های قومی به این منظور طراحی شده است که به دانش‌آموزان کمک گردد تا بدانند که تعارض برخی ارزش‌ها در جوامعی که از لحاظ قومی و نژادی متکثر هستند، اجتناب‌ناپذیر بوده و اگر تعارضات به خوبی مدیریت گردند، نه تنه مخرب و تفرقه‌انگیز نبوده، بلکه می‌توانند پیشرفت جامعه را قوت بخشند.^{۳۰}

توانمندی در مهارت‌های اصلی

یکی دیگر از اهداف برنامه درسی قانون اساسی تسهیل در فرایند تدریس و کسب مهارت‌های پایه در دانش‌آموزان است. اهمیت آن از تداوم ناکامی تحصیلی دانش‌آموزان در شناخت حقوق اولیه خود ناشی می‌شود. برنامه درسی قانون اساسی براین فرض بنا شده است که قسمتی از این ناکامی‌ها به جای اینکه با توانایی فکری دانش‌آموزان اقلیت در ارتباط باشد، به نارسایی‌های روش‌شناختی مدارس و شیوه‌های ارزشیابی مربوط می‌شود. برنامه درسی قانون اساسی می‌تواند دانش و مهارت‌هایی را ارائه دهد تا برای زندگی دانش‌آموزان معنی دار باشند. انجام تدریس و ارزشیابی به روش‌هایی که از نظر فرهنگی و اجتماعی برای دانش‌آموزان متنوع مفهوم‌یابی شده و اتخاذ فرایند آموزشی که نتایج اثربخش‌تری داشته باشد، مورد توجه برنامه درسی قانون اساسی است.^{۳۱}

^{۳۰} طف آبادی، حسین. آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام‌آموزشی دانش‌آموزان. فصلنامه علمی-پژوهشی نوآوری‌های آموزشی. سال پنجم، شماره ۱۳۸۵، ص ۵۲

^{۳۱} حسین بر، محمد عثمان، هویت جمعی و نگرش به دموکراسی در ایران. رساله دکتری منتشر نشده. رشته جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۶، ص ۵۱

نتیجه گیری:

بسیاری از دانش آموزان ما از حقوق اولیه و اساسی خود هیچگونه آگاهی ندارند. نمیدانند در جامعه ای که در آن زندگی می کنند چه حقوقی دارند بسیاری از آنها نمی دانند که در ساختار کشورشان چه نقشی دارند. و اصلا در ساختار حکومت کشور و جامعه خود دخیل هستند یا نه. رسیدن به حکومت مبتنی بر خواست مردم کار آسانی نیست و عبور از مسیر پر پیچ و خم آن جز با تضمین قوانین به تصویب رسیده از رهگذر روش های مردم سالارانه محقق نخواهد شد. یکی از جلوه های اساسی تبلور اراده افراد در شکل گیری حیات سیاسی، قانون اساسی است که شاکله کلی زندگی افراد را در بر می گیرد. تعلیم این قانون بنیادین در تمامی مراحل زندگی تاثیر گذار است و به تعبیر دیگر آموزش آن را می توان آموزش زندگی در جامعه سیاسی دانست که اگر از دوران خردسالی به صورت جزئی و در دوران بعدی به صورت کامل در مدارس و دانشگاه ها به افراد داده شود و همچنین به سایر شهروندان در سایر محیط های آموزشی عمومی، می تواند نقش مهمی در تحلیل های سیاسی افراد داشته باشد و آشنایی با قانون اساسی خویشتن و وظایف و اختیارات زمامداران و ساختار حکومت را در بر بگیرد. با آموزش صحیح و علمی این قانون اندیشه دموکراسی خواهی در افراد زاده شده و فکر ایجاد جامعه دموکراتیک در آنان شکل می گیرد و به تبع رشد در محیطی توأم با تحلیل حقوقی _ سیاسی صحیح، می تواند نوید بخش ایجاد خانواده های دموکراتیک و آشنا با اندیشه دموکراسی باشد تا از اجتماع این خانواده ها جامعه ای تشکیل شود آشنا و همنا با آموزه های دموکراسی و حقوق بشر معاصر که پس از تجزیه و تحلیل به جایی رسیده اند که از درون در پی تشکیل حکومتی مردم سالار اند و به تحقیق افرادی بر سر کار می آیند که دموکراسی خواه و احترام گذارنده به حقوق دیگران اند آنگاه دیگر دموکراسی خلاصه شده در کاغذهای انتخاباتی نیست بلکه افراد دموکراتیک جامعه، جامعه ای دموکراتیک بنا می نهند.

در این راستا با بررسی قسمت تحلیلی پژوهش این مطلب قابل ذکر می باشد که بر اساس یافته های به دست آمده میزان توجه به مولفه های قانون اساسی در کتاب درسی تعلیمات دینی و اجتماعی در دوره ابتدایی بیشتر بوده است. در دوره متوسطه با توجه به نتایج بدست آمده در شش دوره مقطعه اول و دوم این نکته شایان ذکر است که قانون اساسی بسیار به صورت پراکنده در کتب مورد توجه قرار گرفته است و نظم خاصی در آموزش آن دیده نمی شود. در مقطعه آموزش عالی همانطور که در فصل چهارم به آن پرداختیم بررسی آموزش قانون اساسی در کلیه رشته ها و مقاطعه فوق دیپلم، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری قابل اندازه گیری نیست مگر اینکه در رشته ای خاص و در مقطعی خاص به این مهم اقدام بورزیم.

یکی دیگر از بخش های این پایان نامه که به آن پرداختیم بررسی آموزش مبانی جمهوری اسلامی ایران بود. یکی از ویژگی های کشورهای توسعه یافته این است که مردم این جوامع باید از مبانی شکل گیری حکومت خود آگاهی لازم را داشته باشند. آگاهی از این حقوق موجب میشود میزان مشارکت اجتماعی مردم افزایش یافته و از خودکامگی حاکمان، که غالبا منتهی به اسراف و تبذیر و حیف و میل اموال عمومی می گردد، جلوگیری شود و همچنین مردم به واسطه آگاهی از حقوق خود میتوانند به آنچه که قانون برای آنها در نظر گرفته و یا حق طبیعی و فطری آنان است دستیابند. همچنین موجب میشود تا بتوانند از حقوق خود و هموطنان شان دفاع کنند و شهروند خوبی در جامعه توسعه یافته باشند. ضمن اینکه آگاهی افراد از نوع حکومت و نحوه اداره آن موجب می شود تا کمتر از سوی دیگران مورد تعرض و تجاوز قرار گیرند.

در این راستا سعی شد به ابعاد مبانی جمهوری اسلامی ایران مانند هویت ملی و دینی، ولایت فقیه و اشاره ای داشته باشیم. برخورداری از هویت ملی و ابعاد آن، نقش مهمی در زندگی هر فرد در جامعه خصوصا نوجوانان و جوانان دارد. از آنجا که اکثر مهارت ها، قابل آموزش و یادگیری هستند، بنابراین محتوای کتب درسی باید از این مفاهیم در مواجهه با مخاطبین خود برخوردار باشد. زیرا هویت ملی شامل ابعاد اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی و سیاسی می باشد و نیاز زندگی امروز برخورداری از این ابعاد و آشنایی کامل با آن هاست. از طرفی کتاب های درسی به عنوان مهمترین و در دسترس ترین منبع اطلاعاتی و مراجعه ی دانش آموزان بمنظور کسب اطلاعات لازم و ضروری زندگی می باشد، توجه به این مفاهیم در کتب درسی امری مهم و حیاتی محسوب می شود آنچه که شناخت هویت ملی را دارای اهمیت می کند این مطلب می باشد که توجه به ابعاد هویت ملی در کتب درسی، نقش بسیار مهمی در دانش آموزان و دانش جویان دارا می باشد. که با ید به همه ابعاد

مفهوم هویت ملی در کتب درسی به عنوان منبع مهم آموزشی توجه شود. یکی دیگر از ابعاد مورد پژوهش بحث آموزش ولایت فقیه می باشد. در این راستا به مظهر می رسد آموزش ولایت فقیه در مقاطع ابتدایی به صورت نظامی هماهنگ عمل کرده است که از مبانی ابتدایی آن یعنی امامت، ولایت و ... شروع شده و سپس به تعریف و جایگاه ولایت فقیه می پردازد.

اما متأسفانه با بررسی مقطع متوسطه متوجه می شویم که روند مقطع ابتدایی در این دوره مورد اهمیت قرار نگرفته و به صورت پراکنده و در گفتارهای جدا از هم در کتب درسی مورد نظر قرار گرفته است. در مقطع آموزش عالی از نظر محقق پایان نامه های متعددی در زمینه ولایت فقیه نوشته شده است که با بررسی آنها می توان به گنجینه مناسبی برای آموزش اساتید تبدیل شود.

بحث دیگری که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت هویت دینی بود. در این راستا هویت های خانوادگی، قومی، سازمانی، ملی و دینی، هویت جمعی هستند که عضویت فرد در گروه را نشان می دهند بی تردید آموزش و پرورش با استفاده از ابزارهای مختلف شامل فضای آموزشی، معلمان و کتاب های درسی، نهاد بسیار تأثیرگذاری در القای هویت دینی دانش آموزان و شکل دادن به آن است و از این راه، قادر به ایجاد زمینه های وحدت ملی و دینی در جامعه می باشد. مطالعه های انجام شده درباره برنامه های درسی در سال های اخیر از کارآمد نبودن آنها در وظیفه ذاتی خود در این زمینه حکایت می کند. با توجه به اینکه مهمترین دوران شکل گیری هویت و هویت یابی، نوجوانی و جوانی است و آموزه های این دوران زندگی انسان همچون نقش هایی حک شده بر سنگ نوشته ها به آسانی از خاطر فرد محو نخواهد شد. در مورد آموزش عالی درحالی که به نظر می رسد که وظیفه نهاد آموزش عالی، علم آموزی به گروه مخاطب است ولی حقیقت پنهان این است که مهمترین و اساسی ترین مأموریت این نهاد در هر جامعه ای، تربیت انسان های علاقه مند به وطن، آگاه به ارزش های ملی و دینی، و متعهد و متعلق به کشور و دین می باشد که این امر بسیار مورد غفلت قرار گرفته است.

پیشنهادهات:

۱. آموزش نظری مباحث قانون اساسی و مبانی جمهوری اسلامی ایران در کتاب های درسی دوره های مختلف تحصیلی نمی تواند باعث نهادینه شدن این مفاهیم و ایجاد یک شخصیت ایده آل در دانش آموزان گردد، بلکه پیشنهاد می شود که آموزش این مفاهیم با همکاری و هماهنگی سازمان ها و رسانه ها مثل رسانه ملی، شهرداری ها و شوراهای، نهادهای اجتماعی، حقوقی و سیاسی صورت پذیرد. زیرا لازم است بین آنچه آموخته می شود و آنچه در جامعه دیده می شود یک هماهنگی وجود داشته باشد در غیر این صورت صرفا باعث ایجاد تعارض در دانش آموز و عدم ایجاد یک تغییر واقعی می گردد.

۲. پیشنهاد می شود ابعاد مختلف زیر شاخص های هویت ملی و هویت دینی در محتوای کتاب های درسی به طور یکسان مورد توجه قرار گیرند؛ برخی ابعاد هویت ملی و دینی مورد بی توجهی زیادی قرار گرفته اند و برخی دیگر بیشتر مورد توجه اند

۳. پیشنهاد می شود سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با توجه به سرفصل های موجود در ابعاد قانون اساسی و مبانی جمهوری اسلامی ایران تفکیک شود و به معلمان با ارائه سرفصل نحوه آموزش این مطالب آموزش داده شود.

منابع و مراجع:

کتاب:

۱. آقازاده، محرم، راهنمای عمل برنامه ریزی درسی. تهران: انتشارات نو پردازان، ۱۳۸۵
۲. اختر شهر، علی. مؤلفه های جامعه پذیری سیاسی در حکومت دینی. (چاپ دوم). تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه
۳. تقی پور ظهیر، علی، مقدمه ای بر برنامه ریزی آموزشی و درسی. انتشارات آگاه، ۱۳۸۱
۴. جعفری، محمود، ارزیابی میزان توجه به آموزش حقوق شهروندی در برنامه های درسی دوره ی ابتدایی. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی، ۱۳۸۴
۵. حجتی، سید محمد باقر، «اسلام و تعلیم و تربیت»، چاپ و نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۳
۶. حج فروش، احمد، بررسی تحلیلی چالش های اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، دفا تر: مطالعات اجتماعی، ۱۳۹۱
۷. رجائی، فرهنگ، تحول اندیشه ی سیاسی در شرق باستان. تهران: قومس، ۱۳۷۲
۸. راش، مایکل، جامعه و سیاست: مقدمه ای بر جامعه شناسی سیاسی (ترجمه ی منوچهر صبوری). تهران: سمت، ۱۳۸۷
۹. ریشه، کی کش اجتماعی، ترجمه: هما زنجانی زاده، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۰
۱۰. سید جوادین، سید رضا، مبانی و کاربردهای مدیریت منابع انسانی و امور کارکنان، تهران، نگاه، چاپ اول، ۱۳۸۱
۱۱. سروش، عبدالکریم، مدارا و مدیری، ت تهران: مؤسسه فرهنگی صراط، ۱۳۷۶
۱۲. سند تحول بنیادین آموزش پرورش، شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰
۱۳. سیمندیس، جانسون. ابعاد نوین. چالشها و دستور العمل آموزش حقوق شهروندی در دانشگاه ها. مترجم شیر خوانی، محمد علی. (۱۳۸۷). تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۳
۱۴. شریعتمداری، علی، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴
۱۵. شعبانی، قاسم، «حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران»، انتشارات اطلاعات، تهران، چاپ هشتم، ۱۳۷۹
۱۶. شریعتمداری، علی. چند مبحث اساسی در مورد برنامه ریزی درسی. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۶۲
۱۷. صانعی، پرویز، حقوق و اجتماع، انتشارات طرح نو، چاپ اول، ۱۳۸۱، ۵۶۱
۱۸. صغری، فیروزه، ارزیابی وضعیت کنونی نظام آموزش عالی ضرورت اجرای سیاست بین المللی شدن دانشگاه ها در ایران، کنگره ملی آموزش عالی ایران، ۱۳۹۵
۱۹. صداقت، محمد عارف، مبانی روانشناختی برنامه ریزی آموزشی و درسی، ۱۳۸۹
۲۰. طالبی، رضا. جمع و نقد تعاریف جامعه شناختی از فرهنگ. فصلنامه ی مطالعات میان فرهنگی.. سال اول. شماره سوم، ۱۳۸۵
۲۱. عبداللهی، شیرزاد، تحصیل و سیطره امر سیاسی، دوماهنامه چشم انداز ایران، ۱۳۸۹
۲۲. فیوضات، یحیی، «نقش دانشگاه در توسعه ملی»، تهران: انتشارات ارسباران، ۱۳۸۲
۲۳. فتحی و اجارگاه، کورش، اصول برنامه ریزی درسی. تهران: انتشارات ایران زمین، ۱۳۷۷
۲۴. فلسفی، نصرت الله، جایگاه دموکراسی در نظام جمهوری اسلامی ایران، نشریه حقوق اساسی، سال چهارم شماره- هشتم، ۱۳۱ ۲۲۱، تهران، ۱۳۸۶
۲۵. قاری سید فاطمی، سید محمد، «حقوق بشر در جهان معاصر»، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲
۲۶. قلی زاده، آذر، «مبانی جامعه شناسی آموزش و پرورش»، انتشارات محتشم کاشان، ۱۳۷۷
۲۷. کریمی، فریبا؛ سلیمی، محمد رضا، تفاوت سیاستگذاری در سازمانهای آموزشی و غیر آموزشی، دومین همایش بین المللی مدیریت و فرهنگ و توسعه، ۱۳۹۴

مقالات، مجلات، نشریات و پایان نامه ها:

۲۸. آدلر، مورتیمر جروم، پرنده، منصور، دموکراسی و آموزش و پرورش، روزنامه اعتماد، سال یازدهم شماره ۵، ۱۳۹۲
۲۹. جهانیان، رمضان؛ بررسی و تحلیل سیاست های توسعه ای آموزش و پرورش ایران در دوره معاصر، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره ۱۹، ۱۳۹۱
۳۰. چراغ چشم، عباس، آسیب شناسی تربیت دینی در مدارس، کتاب نقد، شماره ۴۶، ۱۳۸۶
۳۱. حاجی یوسفی، امیر محمد..، گونه شناسی روش های مطالعه ی جامعه شناسی ایران. پژوهشکده علوم سیاسی. سال اول. شماره یک، ۱۳۸۴

۳۲. حسین بر، محمد عثمان، هویت جمعی و نگرش به دموکراسی در ایران، رساله دکتری منتشر نشده، رشته جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۶
۳۳. دانش ناری، زهرا، حق و آزادی آموزش و پرورش، فصلنامه حقوق بشر اسلامی، شماره ۵۳، ۱۳۹۲

Abstract:

Many of our students are unaware of their basic rights. They do not know what rights they have in the community they live in, many do not know what role they play in their country's structure. And they are involved in the structure of the state and society themselves.

Considering the undeniable effects of the belief in the legitimacy of the political system on the stability, efficiency and trust of the people in the existing political system, and the cooperation and interaction with it, and the unmatched, universal and lasting effects of the education system, the need to pay attention to the explanation of the foundations The school system and constitutional education are distinguished at different levels of education. In this research, the purpose of explaining the necessities of constitutional education and learning, as well as attempts to explain the importance of familiarizing the future generation of society with the educational and religious foundations of the Islamic Republic of Iran in different educational levels The research was conducted in a library method. Finally, we came to the conclusion One of the remarkable points in teaching the constitution and foundations of the Islamic Republic of Iran is the establishment of goals that represent the abilities that are expected at the end of a course or educational course for students and students. Content, tools, educational tools, and teaching-learning strategies are also determined in accordance with goals.

Key word:

Constitution, textbooks, education, the foundations of the Islamic Republic of Iran